

وطن امروز

برجام علیه برنامه موشکی!؟

صفحه ۲

چهارشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۶ | ۱۳ جمادی الاول ۱۴۳۹ | ۳۱ ژانویه ۲۰۱۸ | سال دهم | شماره ۲۳۶۸ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

۱۱۷۹ سال و ۶۵ روز گذشت

توطئه تشکیل یمن جنوبی

صفحه ۱۵

شهادت مظلومانه ام ایپها حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را تسلیت می گوئیم

تیتراژ امروز

شهردار تهران درباره عملکرد مدیریت شهری در برف اخیر عنوان کرد

نجفی: از ۲۰ ۱۸ گرفتیم!

شهردار تهران: اگر راهها بسته بود جلسه مجلس ساعت ۸:۴۵ شروع نمی شد! انتقاد آموزش و پرورش تهران: بعضی مدارس در روز سه شنبه امکان بازگشایی نداشتند



سرردمی مردم در پی بی برنامگی مسئولان در مواجهه با بارش برف زمستانی

راه های بسته، وزیر راه را راهی مجلس کرد!

بیروزی ۲ بر یک استقلال مقابل صنعت نفت در آبادان

سلام آبی ها به فینال حذفی

۵ ماه از کاهش نرخ سود سپرده گذشت اما بانک مرکزی سود تسهیلات را کم نکرد

وعده کاهش سود فراموش شده!

صفحه ۳

نگاه امروز

«شبکه سازی امنیتی» یا «فروکاستن قدرت منطقه ای»؟! حمید اکبری

یکم: ترامپ چندی پیش، پس از تعلق مجدد تحریم های مربوط به برنامه هسته ای ایران، تاکید کرد این بار آخری است که این کار را می کند مگر اینکه تغییراتی در آن صورت بگیرد که هم محدودیت های ایران برای ادامه قسمت هایی از برنامه هسته ای را دائمی کند و هم برنامه موشکی ایران را در ارتباط با برنامه هسته ای قرار دهد و در نتیجه منجر به اعمال محدودیت بر آن شود. در مطلبی در هفته نامه اسپیکال که روز شنبه (۲۰ ژانویه/ ۳۰ دی) منتشر شده است، به نقل از محافل دیپلماتیک در بروکسل فاش شد: «آلمان، فرانسه و بریتانیا در پی وضع تحریم های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران هستند». اتحادیه اروپایی می خواهد با این تحریم ها آنچه طبق ادعاهایش سیاست های بی ثبات سازی منطقه توسط جمهوری اسلامی ایران می خواند، مقابله کند. فشارهای جدید اتحادیه اروپایی به نظر می رسد به دنبال ضرب الاجل ۴ ماهه ترامپ برای تغییر در مفاد برجام است که مطرح شده. در همین راستا آلمان تلاش می کند با ترغیب مابقی شرکای اروپایی اش به وضع تحریم های جدید، هم برنامه موشکی ایران را زیر ضرب قرار دهد و هم به ترامپ این پیام را منتقل کند که آنها انتقادهای نسبت به برجام را جدی می گیرند. وزیر خارجه فرانسه هم قرار است ۵ مارس به ایران سفر کند و طبق اظهاراتش قبلا درباره برنامه موشکی ایران صحبت کرده و این بار قرار است درباره حزب الله با مقامات دولت ایران گفت و گو کند. عباس عراقچی، معاون وزیر امور خارجه، در اظهار نظری درباره سرنوشت توافق هسته ای با قدرت های جهانی و شروطی که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا برای باقی ماندن کشورش در آن گذاشته گفته است: «قطعا در ۴ ماه آینده چالش های جدیدتری خواهیم داشت».

دوم: جناب ظریف چند روز پیش در یادداشتی که در «فایننشال تایمز» منتشر کرده اند سخن از پارادایم در حال ظهور غرب آسیا گفته اند و ۲ مفهوم «منطقه قوی» و «شبکه سازی امنیتی» را کمک کننده به ایجاد ثبات در منطقه معرفی کرده اند. جناب ظریف ایده ابداعی ایران را که شبکه سازی امنیتی باشد، راهکاری برای ایجاد ثبات در وضعیت کنونی و اگرایی منافع کشورهای منطقه و تفاوت های موجود در قدرت و وسعت آنها می دانند.

ادامه در صفحه ۵



بیانات رهبر انقلاب در ابتدای جلسه درسی خارج فتنه درباره ستارویوی جدید استیکبار در منطقه

آمریکا به دنبال انتقال داعش به افغانستان است

دیگری را در پروسه مذاکرات با دولت جدید آغاز کرد. «لوران فابوس» وزیر سابق خارجه فرانسه در کسوت «پلیس بد» و «شتان مایر» و «فیلیپ هاموند» در کسوت بازیگرانی ظاهر مستقل ولی در عمل متأثر از لابی های پشت پرده با دولت اوپاما، هر یک نقش خاص خود را در این صحنه ایفا کردند. اگرچه تابستان ۹۴، برجام به امضای تروئیکای اروپایی، آمریکا، چین و روسیه رسید و اتحادیه اروپایی در ظاهر تحریم های بانکی و اعتباری و نفتی خود علیه ایران را لغو کرد اما کارشکنی مقامات اروپایی و آمریکایی در مسیر اجرایی شدن برجام (چه در دولت اوپاما و چه در دولت ترامپ) به قوت خود باقی ماند. درست در فروردین ماه امسال، وزارت خارجه انگلیس در بیانیه ای وقیحانه، اعلام کرد جمهوری اسلامی ایران مکانی پرچالش برای سرمایه گذاری و تجارت محسوب می شود و به این وسیله بند ۲۹ برجام را زیر پا گذاشت. فراتر از این موارد، در جریان برگزاری چندین کمیسیون مشترک برجام که با هدف بررسی اقدامات کارشکنانه دولت های اوپاما و ترامپ علیه توافق هسته ای شکل گرفت، تروئیکای اروپایی وظایف حقوقی و قانونی خود را فدا زد و بندهای سیاسی با ایالات متحده کرد.

هم اکنون در ابتدای سال ۲۰۱۸ میلادی قرار داریم! ۱۴ سال از توافق سعدآباد و ۱۳ سال از بیانیه پاریس می گذرد و سیاستمداران اروپایی با ظاهری متفاوت اما همان رویکرد همیشگی و تقلبی در برابر ملت ایران قد علم کرده اند. ملت ایران هرگز فراموش نخواهد کرد «تعلق دوساله غنی سازی»، «ارسال پرونده ایران به شورای امنیت»، «اعمال تحریم های ظالمانه علیه ایران»، متهم بزرگی به نام «تروئیکای اروپایی» داشته است. در چنین شرایطی «پیوند با اروپا» برای «مواجهه با نفوذ عهد آمریکا» تصویری نادرست، خطایی تکراری و مسیری منتهی به شکست محسوب می شود. سوال اصلی اینجاست: آیا دستگاه دیپلماسی کشورمان از رفتار ۱۵ سال اخیر اتحادیه اروپایی و بویژه تروئیکای اروپایی در تقابل با ملت ایران درس گرفته است؟! صفحه ۲

گزارشی از کارشکنی های اروپا در تقابل با ایران

تروئیکای اروپایی: متهم یا شریک!؟

انرژی هسته ای است. چراغ سبزی که در طول سال های ۷۹ تا ۸۲ (بویژه در سال آخر) از سوی تعداد زیادی از نمایندگان مجلس ششم به غرب در دفاع از تعطیلی غنی سازی در ایران و لزوم صرف نظر کردن کشورمان از دستیابی به انرژی هسته ای (به بهانه جلوگیری از حمله آمریکا به ایران) مخبره می شد، اشتیاق تروئیکای اروپایی را در این باره دوچندان کرد. فروردین ماه ۸۲/ آوریل ۲۰۰۳، حمله به عراق از سوی آمریکا کلید خورد. تا اینکه تابستان همان سال، ۱۲۷ تن از نمایندگان مجلس ششم نامه ای را به رهبر حکیم انقلاب اسلامی نوشته و خواستار نوشیدن «جام زهر» (از سوی ایشان و صرف نظر از دستیابی کشورمان به انرژی هسته ای شدند).

با همه این اوصاف، اتحادیه اروپایی و تروئیکای اروپایی حتی به تعهدات حداقلی خود نیز در بیانیه سعدآباد پایبند نماندند! آنها در شورای حکام انرژی بین المللی انرژی اتمی، پس از ایالات متحده آمریکا قطعنامه های متعددی را علیه ایران به تصویب رسانده و با استناد به برخی موارد کذب و ادعایی (که صحت آنها هیچگاه به اثبات نرسید)، ایران را متهم به کارشکنی هسته ای کردند. با همه این اوصاف، بار دیگر ایران ۲۵ آبان ماه سال ۸۲ و همین طور در بیانیه پاریس (۸۳)، محدودیت های بیشتری را در زمینه فعالیت های هسته ای پذیرفت و در مقابل، تروئیکای اروپایی، جز دادن وعده هایی مانند مذاکره برای همکاری با ایران در زمینه تجاری و پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی، مبارزه دوجانبه علیه تروریسم (تروریسمی که خود تروئیکای اروپایی در خلق و استمرار آن نقش داشتند) و همکاری های منطقه ای با تهران عملاً تعهدی ملموس را در قبال ایران نپذیرفتند.

در حالی که تنها یک ماه از توافق طرفین بر سر بیانیه پاریس گذشته بود، تروئیکای اروپایی به همراه آمریکا قطعنامه دیگری را علیه ایران در شورای حکام به تصویب رساندند. فراتر از آن، اروپا

تبدیل شد. به عبارت بهتر، تروئیکای اروپایی سعی کرد از فضای حاکم بر سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ میلادی، نهایت استفاده ممکن را علیه برنامه هسته ای صلح آمیز کشورمان ببرد. تروئیکای اروپایی سعی در القای این مسأله داشت که تنها راه مواجهه ایران با تهدید آمریکا و غرب، «صرف نظر از موضوع هسته ای» است؛ گزاره ای که متأسفانه از سوی برخی سیاستمداران اصلاح طلب در داخل کشورمان نیز مورد استقبال قرار گرفت.

در هر حال، مذاکرات هسته ای میان تروئیکای اروپایی و ایران ادامه داشت. «یوشکا فیشر» وزیر خارجه آلمان، «دومینیک دوویلین» وزیر خارجه فرانسه و «جک استراو» وزیر خارجه انگلیس، ۳ سیاستمداری بودند که از سوی غرب، مذاکرات هسته ای با تهران را مدیریت می کردند. سرانجام ۲۹ مهرماه ۸۲، «بیانه سعدآباد» به تأیید طرفین رسید. مطابق این بیانیه، غنی سازی در ایران تعلق و پروتکل الحاقی به امضا رسید. در مقابل، ۳ کشور اروپایی تعهد دادند زمینه دستیابی آسان ایران به فناوری مدرن، احترام به حق هسته ای ایران و عدم مخدوش کردن وقار و امنیت ملی ایران و مذاکره با تهران بر سر ارتقای امنیت منطقه را در دستور کار قرار دهند. کلی بودن تعهدات اروپا در بیانیه سعدآباد و دقیق و جزئی بودن تعهدات ایران، نکته ای نبود که از دید صاحب نظران سیاسی پنهان بماند. نکته قابل تأمل اینکه بیانه سعدآباد در دوران صدراعظمی «گرهارد شرودر» در آلمان و ریاست جمهوری «ژاک شیراک» در فرانسه به امضا رسید؛ یعنی درست زمانی که برخی تحلیلگران معتقد به حاکمیت تعهد و احترام سیاسی در اروپا واحد بودند.

درست در همان ایام بود که مقامات اروپایی در اظهار نظرهایی متضاد، پرده از اهداف خود از امضای بیانیه سعدآباد برداشتند! سفیر وقت آلمان در تهران صراحتاً اعلام کرد هدف تروئیکای اروپایی از این توافق، عدم دستیابی همیشگی ایران به

یادداشت امروز

علی مختاری: طی روزهای اخیر بار دیگر شاهد مانور نام

تروئیکای اروپایی» در معادلات سیاست خارجی کشورمان هستیم. «آلمان»، «انگلیس» و «فرانسه» به عنوان ۳ کشوری که طی ۱۶ سال اخیر مذاکرات مستمری را با جمهوری اسلامی ایران بر سر اعمال محدودیت در فعالیت های هسته ای صلح آمیز کشورمان داشته اند، این بار در مواجهه ظاهری با فردی به نام «دونالد ترامپ» قرار گرفته اند.

اژانس بین المللی انرژی اتمی در سفر به ایران، ضمن بازدید از تاسیسات هسته ای کشورمان، تأیید کرد تاسیسات نظنز و اراک، استفاده ای صلح آمیز داشته و ادعاهای مطرح شده درباره استفاده غیر صلح آمیز ایران از این تاسیسات، غیر قابل استناد است. با این حال اتحادیه اروپایی و بویژه تروئیکای اروپایی همچنان در دغدغه «مهار ایران قدرتمند» بود. از سوی دیگر، به دلیل نبود ایالات متحده آمریکا در مذاکرات هسته ای با ایران، تروئیکای اروپایی خود را موظف به پیگیری خواسته های آمریکا دانسته و به عبارت دقیق تر، «زبان گوئی آمریکا» در مذاکرات هسته ای با ایران بود. تروئیکای اروپایی به نیابت از واشنگتن وظیفه داشت با وعده های بدون پشتوانه واهی، ایران را از حرکت به سوی توانمندی هسته ای منع کند. پس از سفر حساس البرادعی به ایران و گزارش وی در تأیید صلح آمیز بودن فعالیت های هسته ای کشورمان، طرح مشترک ایالات متحده آمریکا و تروئیکای اروپایی در شورای حکام انرژی بین المللی انرژی اتمی وارد فاز تازه ای شد. البرادعی نیز تحت فشار شورای حکام از وجود ابهاماتی درباره برنامه هسته ای ایران سخن گفت. همین مواضع برای واشنگتن و تروئیکای اروپایی کافی بود تا مذاکرات هسته ای با کشورمان را برای چندین سال با هدف «تهدید» و «تحریم» ملت ایران ادامه دهند.

همزمان با حضور «جرج واکر بوش» در کاخ سفید و حمله آمریکا به افغانستان و عراق، تروئیکای اروپایی از یکسو به «پیام آور تهدید آمریکا» و از سوی دیگر به «بانی تحریم ایران»

www.vatanemrooz.ir

در شبکه های اجتماعی



@vatanemrooz

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲